

فلسطین ملاک انسانیت

رسوایی لیبرال دموکراسی در آزمون فلسطین



مرتضی روحانی

سردبیر | پژوهشگر حوزه دین
و روشنگری، دکتری فلسفه دین

همان اصل «وجود جهان» است. آغاز گفت‌وگوی فیلسوفانه دقیقاً از جایی شروع می‌شود که طرفین وجود جهان و امکان علم اجمالی به آن را مفروض می‌گیرند. فلذاست که گفت‌وگوهایی که درصدا اثبات جهان خارج می‌شود در واقع گفتگویی پیشافلسفی اند که درصدا اثبات موضوع فلسفه اند. این‌ها گفت‌وگوهای مقدماتی اند تا کار را به موضوع اصلی برسانند.

اما در موضوع بحث ما، یعنی فجایع رخ داده در فلسطین، باید چه چیزی را به عنوان اصول مسلم و لایتخلف گفت و گو در نظر بگیریم و بر اساس آن با صهیونیست‌ها و مدافعان شان صحبت کنیم؟

به گمانم برای یک گفت‌وگوی سیاسی بد نباشد که به اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان اعلامیه مادر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان دودخترش نگاه کنیم (۱). حق حیات (۲) حق برخورداری از امنیت (۳) حق عدم شکنجه و رهایی از رفتارهای ظالمانه و خلاف شئون بشری (۴) حق برخورداری از شخصیت انسانی (۵) حق رهایی از توقیف، حبس یا تبعید خودسرانه (۶) حق برخورداری از دادرسی منصفانه و مستقل (۷) حق عبور و مرور آزادانه (۸) حق بهره‌مندی از مالکیت (۹) حق تعیین سرنوشت (۱۰) حق بهره‌مندی از آزادی در امور خصوصی خانوادگی، انتخاب اقامتگاه و مکاتبات و منع مداخله خودسرانه در این امور (۱۱) حق دسترسی به غذای مناسب و آب آشامیدنی (۱۲) حق دسترسی به مسکن مناسب و درخور شأن انسانی (۱۳) حق سلامت و بهره‌مندی از مراقبت‌های بهداشتی درمانی (۱۴) حق برخورداری از امنیت اجتماعی (۱۴) حق برخورداری از شغل مناسب. به‌زعم نویسندگان این اعلامیه‌ها، این‌ها حقوق اولیه‌ای هستند که هر کس قدم به این دنیا گذاشته است فارغ از رنگ و نژاد و جغرافیا و... باید از آن‌ها بهره‌مند باشد.

اما آیا فلسطینیان از این حقوق بهره‌مندند؟ برای پاسخ به این سوال ساده لازم نیست که تاریخ فلسطین را خوانده باشیم و خود

الف) مسئله چیست؟

این روزها مطبوعات پر است از اخبار و تحلیل‌هایی پیرامون مسئله فلسطین، تحلیل‌های تاریخی، سیاسی، الهیاتی و جامعه‌شناختی. همه سخن از این می‌گویند که ماجرا از هفت اکتبر شروع نشده است و قصه را باید از سر دید. از این سخن می‌گویند که اسرائیل زبیده اروپا و آمریکا است و به همین دلیل هم آن‌ها تمام قد پشت سر او ایستاده‌اند. نخبه‌ترها به تحریف سازمان یافته تاریخ توسط صهیونیسم اشاره می‌کنند، به اینکه صهیونیست‌های مسیحی خطرناک‌تر از همتایان یهودی خودشان اند. همه توضیح می‌دهند که فلسطین چاره‌ای جز مقاومت ندارد و کار از مراحل دیپلماتیک عبور کرده. توضیح می‌دهند که اسرائیل کمر همت به حذف فلسطین از نقشه جغرافیا بسته و این یعنی هیچ راهی جز مقاومت باقی نمانده و در این میان برخی هم علاقه دارند که این جنگ را به جنگ آخرالزمانی گره بزنند؛ توضیح بدهند که این نبرد تنها یک نبرد نظامی بین حماس و متجاوزان صهیونیست نیست بلکه نبرد بین ارزش‌ها و آرمان‌هاست. این سخنان درست، اما آیمی توان درباره این مسائل با دیدگرانی که از رفتار و عملکرد صهیونیست‌ها دفاع می‌کنند «گفت‌وگو» کرد؟ من بعید می‌دانم.

گفت‌وگو یا دیالوگ که میراث سقراط در فلسفه است روشی برای کشف حقیقت است که در آن طرفین سعی می‌کنند با سخن گفتن به طریق نقض و اثبات سخن خود را به پیش ببرند تا در نهایت به پاسخی که گمان به صحیح بودنش دارند برسند. اما نکته مهم آن است که گفت‌وگو بر اصولی استوار است، اصولی که بین طرفین گفت‌وگو مشترک اند یا امکان به اشتراک رسیدن را دارند. این اصول مشترک سرمایه اصلی گفت‌وگو است. بر اساس آن‌هاست که نقض و اثبات‌ها صورت می‌گیرد و طرفین به سمت و سویی مشترک حرکت کرده و در نهایت به موقفی واحد می‌رسند. در فلسفه این اصل اولیه